



## روش‌های تأکید کلمه در زبان فارسی\*

داود رفیعی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

### چکیده

مبحث تأکید و روش‌های مؤکد کردن اقسام کلمه از جمله مسائلی است که در دستور زبان، زبان‌شناسی و بلاغت مطرح است. در خلال کتاب‌هایی که در زمینه دستور زبان نوشته شده، معمولاً به صورت گذرا اشاره‌هایی به روش‌های مؤکد کردن اقسام کلمه شده است. گاهی نیز در مقالاتی که در این زمینه نوشته شده، به صورت موردی به روش‌های تأکید بر یک قسم کلمه پرداخته شده است. در این تحقیق کوشش بر این است که پاسخی به این پرسش دهیم که اقسام کلمه در زبان فارسی چگونه مؤکد می‌شوند؟ بر این مبنای تکیه بر پژوهش‌های انجام شده، به شماری از روش‌های مؤکد کردن اقسام کلمه اشاره شده است؛ از رهرو این بررسی دریافتیم که در زبان فارسی به منظورهای خاص دستوری و بلاغی، تمام اقسام کلمه - از اسم و فعل گرفته تا شبه‌جمله و حتی حروف اضافه - می‌تواند مؤکد گردد. ضمن این که پیرامون مؤکد کردن جمله نیز مطالبی در این مقاله ارائه شده است. این مؤکد کردن اقسام کلمه و جملات به روش‌های گوناگونی انجام می‌شود که برخی از این روش‌ها در گذشته کاربرد بیشتری داشته است و برخی دیگر از آنها در فارسی امروز بیشتر به کار می‌رود.

**واژه‌های کلیدی:** تأکید، روش‌های مؤکد کردن، زبان فارسی، اقسام کلمه.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶

<sup>۱</sup> E-mail: davood\_rafiei14@yahoo.com

## مقدمه

یکی از مسائلی که در دستور زبان، بلاغت و زبان‌شناسی قابلیت مطرح شدن را دارد، بحث تأکید و روش‌های مؤکد کردن انواع کلمه است. از منظر زبانی در تعریف تأکید گفته شده است که: «تأکید آن است که سخنی را اعم از کلمه یا جمله یا گروه، با وسایل دستوری یا معنایی به منظوره‌های بلاغی مورد توجه قرار دهیم و به آن شدت یا کمال یا روشنی بخشیم» (فرشیدورد، ۱۳۵۴ الف: ۳۸۶). در واقع کلمه مؤکد، عضو برجسته جمله است و جمله مؤکد عضو برجسته متن. قابل توضیح است که خانلری در پی تحقیقات خود، بحث تکیه کلمات را در زبان فارسی مطرح می‌کند و از آن تعریفی بدین‌سان ارائه می‌دهد: «وقتی کلمه یا عبارتی را تلفظ می‌کنیم، همه هجاهایی که در آن هست به یک درجه از وضوح و برجستگی ادا نمی‌شود، بلکه یک یا چند هجا برجسته‌تر است. همین برجستگی خاص یکی از اجزای کلمه در یک سلسله اصوات ملفوظ، موجب می‌شود که حدود و فواصل هجاها را تشخیص بدهیم و هر یک از کلمات جمله را جداگانه ادراک کنیم. این صفت خاص بعضی هجاها را که موجب انفکاک اجزاء کلام از یکدیگر است، در فارسی تکیه کلمه یا به اختصار تکیه می‌خوانیم» (خانلری، ۱۳۷۳: ۱۴۸). بنابراین می‌توان کلمه مؤکد را در حکم تکیه جمله دانست؛ چراکه برجسته‌تر از سایر اجزای جمله ادا می‌شود و جمله مؤکد نیز در حکم تکیه متن تلقی می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی کلی، «تأکید» به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود. تأکید عام، عبارت از روش‌هایی است که بوسیله آن، همه اقسام کلمه و جمله و گروه را مؤکد می‌کنند؛ مانند: تأکید بوسیله تکرار. تأکید خاص عبارت از روش‌هایی است که اختصاص به یکی از اقسام کلمه یا جمله دارد (فرشیدورد، ۱۳۵۴ الف: ۳۸۶). در زبان فارسی تقریباً همه انواع کلمه اعم از اسم، فعل، صفت، قید، ضمیر و حتی حروف و اصوات را می‌توان مؤکد کرد. البته باید افزود که برخی روش‌های مؤکد کردن کلمه و کلام در گذشته

کاربرد بیشتری داشته است و برخی از روش‌ها نیز در فارسی امروز بسامد بیشتری یافته است.

## پیشینه تحقیق

در باره مباحث تأکید و مؤکد کردن کلام و کلمه، بیشتر پژوهش‌های ارزشمندی توسط خسرو فرشیدورد انجام گرفته است که ماحصل آن در کتاب‌ها و مقالات ایشان ثبت است. از جمله این کتاب‌ها و مقالات می‌توان به مواردی چون: «در باره ادبیات و نقد ادبی» (بویژه در جلد دوم)، «جمله و تحوّل آن در زبان فارسی»، سلسله مقالاتی با عنوان «تأکید و قصر در زبان فارسی» و ... اشاره کرد. مقالات دیگری نیز توسط دیگران در زمینه روش‌های تأکید نوشته شده که مقاله «شیوه‌های تأکید در فارسی و عربی» نوشته محمدرضا نجاریان از آن جمله است. غیر از این موارد، در کتاب‌هایی که در زمینه دستور نوشته شده، دسته و گریخته اشاراتی به بحث تأکید و روش‌های مؤکد کردن شده است. این تحقیق نیز در راستای همان پژوهش‌های قبلی است و به عبارت بهتر جمع‌بندی مختصری است از نتایج تحقیقات پیشین و افزودن مطالبی جدید.

## ۱- تأکید اسم

### ۱-۱ تکرار

یکی از متداول‌ترین طرق تأکید اسم، مکرر کردن اسم است. نقش دستوری اسم دوم نیز همان نقش دستوری اسم اول است:

«نام من عشق است آیا می‌شناسیدم      زخمی‌ام زخمی سرپا می‌شناسیدم»

(منزوی، ۱۳۷۷: ۳۰۲)

البته درباره تکرار بویژه در شعر، محمّد تقی طیب اشاره کرده‌اند که «در شعر فارسی به مواردی از تکرار گروه اسمی، گروه فعلی و نیز گروه اضافه‌ای برخورد می‌کنیم که فاقد اهداف منظورشناختی است و بنابراین در جهت تمشیت امور وزن و قافیه آمده است»

(طیب، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۷). اما در مثال‌هایی که ایشان ذکر کرده‌اند، باز به نظر می‌رسد که هدف از تکرار کلمه یا جمله توسط شاعر، به نوعی تأکید کلام بوده است:

«هین مزن تو ار ملولی آه سرد درد جو و درد جو و درد درد»

(مولوی، ۱۳۸۶، دفتر ۶: ۱۰۹۵)

«باده حق، راست باشد نی دروغ دوغ خوردی، دوغ خوردی، دوغ دوغ»

(همان، دفتر ۳: ۳۶۸)

تکرار فقط شامل مکرر کردن کلمه نیست و موارد دیگری را نیز می‌توان در دایره شمول آن گنجانند. یکی از این موارد، آوردن مترادفات اسم است، به گونه‌ای که القا کننده مفهوم تأکید باشند. «تأکید بوسیله مترادف، متداول‌تر است از تأکید بوسیله تکرار. یکی از فواید تأکید بوسیله تکرار و آوردن مترادف، جلوگیری از توهّم و اشتباه است؛ یعنی وقتی گوینده می‌گوید: «حسن، حسن آمد» برای آن است که مخاطب فکر نکند که او اشتباه کرده است و منظورش حسین بوده است» (فرشیدورد، ۱۳۵۴ الف: ۳۸۷). گونه‌ای دیگر از روش تکرار برای تأکید اسم، آوردن اسم اتباع است. «اتباع»، لفظی است مهمل و بی‌معنی که به تبعیت از اسم اول ساخته می‌شود و از آنجا که کلیت و شمول را می‌رساند، می‌تواند جنبه تأکیدی داشته باشد:

«وقت است کز فراق تو وز سوز اندرون آتش درافکنم به همه رخت و پخت خویش»

(حافظ، ۱۳۸۶: غ ۲۹۱)

اسم‌های مرکب تأکیدی نیز، گونه‌ای دیگر از روش تکرار برای تأکید است. این اسم‌ها به دو طریق ساخته می‌شوند: الف) از دو اسم مکرر؛ خواه بواسطه حروف اضافه یا عناصر اتّصالی مانند سرتاسر، دورتادور و... ب) از دو اسم غیر مکرر؛ خواه بواسطه و خواه بی‌واسطه مثل سرتاته، سرتاپا و... (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

## ۱-۲ استفاده از ضمیر مشترک

گاهی پیش یا پس از اسم، ضمیر مشترک «خود» قرار می‌گیرد و این در مواقعی است که هدف گوینده، مؤکد کردن اسم بوده باشد. این افزوده شدن گاهی به این طریق است

که ضمیر مشترک پس از اسم و بدون کسره اضافه می‌آید و این غالباً در دوره‌های گذشته مرسوم‌تر بوده است: «و مرد خود مُرده بود که جلادش رسن در گلو افکنده و خبه کرده» (بیهقی، ۱۳۸۷: ۲۱۹). گاهی نیز ضمیر مشترک پیش از اسم می‌آید. این طریق نیز بیشتر در متون گذشته به چشم می‌خورد:

«عزمم درست گشت کز این جا کنم رحیل خود آمدن چه بود که پایم شکسته باد»  
(مرصادالعباد، ۱۳۷۳: ۷۵)

گاهی نیز ضمیر مشترک پیش از اسم می‌آید و با کسره اضافه به اسم متصل می‌شود. این طریق در فارسی امروز کاربرد بیشتری دارد: «خودِ صنیع‌الدوله هر چند لباس‌هایش کرک بود، اما باز احساس سرما را بخوبی می‌کرد» (چرند و پرنده، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

### ۱-۳ استفاده از راء زائد

راء زائد در متون زبان فارسی گاهی به کار رفته و بیشتر جنبه تأکید داشته است. در زبان مردم روزگار اخیر نیز این نکته شنیده می‌شود» (باباسالار، ۱۳۹۲: ۱۹۱).  
«پشتِ دوتایِ فلک، راست شد از خرّمی تا چو تو فرزند زاد، مادر ایام را»  
(سعدی، ۱۳۹۲: ۳۴).

نمونه‌هایی از آن در گفتار فارسی امروز:

«آنقدر اصرار کردم تا سرانجام سوگند را خورد»؛ «دانش آموزان از خانه تا مدرسه را پیاده می‌روند» (بابا سالار، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

### ۱-۴ عطف کلمات متناسب

عطف کلمات متناسب با هم گاهی موجب تأکید می‌شود. همچنین «عطف با بعضی گروه‌های گسسته قیدی از قبیل نه...نه، هم...همه، چه...چه (حرف ربط تسویه) بیشتر موجب تأکید است» (نجاریان، ۱۳۹۲: ۳۵۸).

«نه بم داند آشفته سامان، نه زیر به آواز مرغی بنالد فقیر»  
(سعدی، ۱۳۹۲: ۲۹۳)

### ۱-۵ استفاده از کلماتی که کلیت افراد را نشان می‌دهند

گاهی برای تأکید اسم‌ها و ضمایر، کلماتی می‌آورند تا نشان داده شود که مفهوم جمع شامل همه افراد است، نه شامل بعضی از آنها» (نجاریان، ۱۳۹۲: ۳۶۳). بعضی از این کلمات عبارتند از: همه، جمعاً، کلاً، پاک، تمامی، سراسر و در صورت منفی بودن کلام: هیچ، هیچ‌یک و امثال این‌ها.

خسرو فرشیدورد روش‌های دیگری نیز برای تأکید اسم در زبان فارسی برشمرده است. این روش‌ها عبارتند از:

- الف) جمع بستن اسم‌های جمع عربی؛ مانند: منازل‌ها، انجم‌ها، اسرارها.
- ب) افزودن پسوند و شبه پسوند به آخر اسم مکان‌های عربی؛ مانند: معبدجای.
- ج) افزودن «ی» به مصدرهای عربی؛ مانند: سلامتی، راحتی و... .
- د) اجتماع «یک» و «یا نکره» در اسم و نیز اجتماع «می» و «ی» استمرار و عادت و همچنین اجتماع «مر» و «را». این طرق نیز در متون گذشته رواج داشته است (فرشیدورد، ۱۳۵۴ الف: ۳۸۸).

می‌توان گفت که برخی از این گونه شیوه‌های تأکید را - دست کم در زبان معیار امروز - نمی‌توان روشی برای تأکید دانست؛ چنانکه مثلاً افزودن «ی» به مصدرهای عربی، چندان باعث برجستگی کلمه و کلام نمی‌شود و در نتیجه القای تأکید نمی‌کند. درباره جمع بستن اسم‌های عربی هم باید گفت که این کاربرد، زمانی صورت مؤکد به خود می‌گیرد که هدف بیان کلیت و شمول باشد. به نظر می‌رسد که این گونه کاربرد بیشتر در دوره‌های گذشته زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. با این حال گاهی این گونه جمع بستن‌ها با هدف القای کلیت و شمول، در فارسی امروز نیز - هرچند به اشتباه - به کار می‌رود. به عنوان مثال می‌توان واژه‌های «مراسمات»، «لوازمات» و ... را برشمرد. در مجموع به نظر می‌رسد که امروزه و در زبان معیار، این گونه کاربردها بیشتر نشانگر مؤلفه‌های سبک در دوره‌ای خاص است و دست کم در زبان فارسی امروز چیزی از تأکید در کلام عرضه نمی‌کند.

## ۲- تأکید ضمیر

روش‌هایی که برای تأکید اسم در زبان فارسی به کار می‌رود، درباره ضمیر نیز صدق می‌کند. در ادامه به این روش‌ها اشاره‌ای می‌شود.

### ۲-۱ تکرار

تکرار یکی از پرکاربردترین روش‌های مؤکد کردن ضمیر است. در این باره چنین گفته شده است: «گاهی با وجود ذکر اسم یا شناسه فعل، ضمیر جدا یا پیوسته نیز می‌آید یا ضمیر جدا تکرار می‌شود که در حکم تأکیدی است» (خانلری، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۹۴).

### ۲-۲ افزوده شدن ضمیر مشترک

گاهی ضمیر مشترک برای مؤکد کردن ضمیر، به آن اضافه می‌شوند. این افزوده شدن به چند طریق صورت می‌گیرد:

الف) گاهی ضمیر پیوسته و یا ضمیر جدا به ضمیر مشترک افزوده می‌شوند و نقش مضاف‌الیه ضمیر مشترک را می‌پذیرند؛ مانند:

«تازه شعری سروده‌ام از تو غزلی چون خود شما زیبا»  
(بهمنی، ۱۳۹۰: ۴۵۵)

ب) گاهی نیز ضمیر مشترک بدون نشانه اضافه، پیش یا پس از ضمیر می‌آید که البته این روش در گذشته کاربرد بیشتری داشته است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۰۰)؛ مانند: «تو خود دانی که من بی تو عَدَم باشم، عَدَم باشم» (مولوی، ۱۳۸۸: غ ۵۱۵: ۷۴۲).

«جنیدا ذات توست و خود تو دانی که می‌دانی که اندر جان، نهانی»  
(هیلاج‌نامه، ۱۳۶۳: ۳۱۳)

### ۲-۳ جمع بستن ضمیر

«گاهی برخی از ضمایر شخصی با علامت جمع همراه می‌شود. در این موارد، منظور تأکید و بیان انواع و نظیر است» (مهرآوران: ۱۳۹۶: ۱۱۵)؛ مانند: «گفتا بزرگا غلطا که شمایان را افتاده است...» (بیهقی، ۱۳۸۷: ۵۳۷).

«سال‌ها دفع بلاها کرده‌ایم و هم، حیران ز آنچه ماها کرده‌ایم» (مولوی، ۱۳۸۶، دفتر ۳: ۳۷۹)

### ۳- تأکید صفت

#### ۱-۳ تکرار

در بحث تکرار صفات، علاوه بر تکرار لفظ، آوردن مترادفات صفت نیز مطرح می‌شود و این همان است که در بلاغت به آن «تنسیق صفات» گفته می‌شود و این مسأله بخوبی بیان‌کننده رابطه مبحث تأکید با بلاغت فارسی است.

#### ۲-۳ صفات تفضیلی و عالی

صفات تفضیلی و عالی در ذات خویش مؤکدند؛ چراکه صفت با تبدیل شدن به صفات تفضیلی و عالی مؤکد می‌شوند. صفات تفضیلی و عالی از وسایل مهم تأکید اسم هستند، بویژه صفات عالی که تأکید آن از صفت تفضیلی بیشتر است (فرشیدورد، ۱۳۵۴ ج: ۵۸۳).

#### ۳-۳ روش‌های دیگر مؤکد کردن صفت

الف) کلماتی مانند: همه، هیچ، بسیار، سخت و ... اگر پیش از صفت قرار بگیرند، دایره شمول صفت را بیشتر کرده و باعث مؤکد شدن صفت می‌شوند.

ب) «گاهی صفت جانشین موصوف می‌شود و در آن حال بر مبالغه و تأکید دلالت دارد؛ مانند: بسی، خیلی‌ها» (نجاریان، ۱۳۹۲: ۳۶۶)؛ مانند: «ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت» (حافظ، ۱۳۸۶: غ ۸۱).



#### ۴- تأکید قید

اگر چه قیده‌های تأکید، خود از لوازم تأکید اسم و صفت و فعل هستند، اما در زبان فارسی خود قید را هم می‌توان مؤکد کرد. روش‌های تأکید قید بدین قرار است:

الف) اضافه شدن حروف اضافه مانند: به، با، از و... به برخی از قیود مانند بناچار، بناگاه، از ناگه و...

ب) برخی از قیدها و گروه‌های قیدی با افزوده شدن کلمه «هم» به آنها مؤکد می‌شوند؛ مانند: هم این‌جا، هم امروز و...

ج) افزوده شدن پسوندهای قیدساز به قید، که مفید معنی تأکید بوده است؛ مانند: گستاخ‌وار، مست‌وار و... این روش در گذشته بیشتر کاربرد داشته است (نجاریان، ۱۳۹۲: ۳۶۶-۳۶۵).

#### ۵- تأکید حروف

از ویژگی‌های زبان فارسی یکی این است که حتی حروف را نیز می‌توان مؤکد کرد. در متون گذشته بویژه تا پیش از قرن هفتم، گاهی دو حرف اضافه برای یک اسم استعمال می‌شده است. در این‌گونه موارد، حروف اضافه دوم «از نظر معنی زائدند و اغلب برای توضیح یا تأکید آورده می‌شوند» (خیام‌پور، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

«چو بیند کاری به دست اندر است حریصت شمارند و دنیاپرست»  
(سعدی، ۱۳۹۲: ۳۶۱)

#### ۶- تأکید صوت (شبه‌جمله)

صوت‌ها در بسیاری از موارد تأکید می‌شوند و صوت مرکب یا گروه صوتی می‌سازند. صوت‌ها (شبه‌جمله‌ها) این‌گونه مؤکد می‌شوند:

الف) با «ای»؛ مانند: ای دریغ، ای کاش و... «ای» در این صورت، صوت ندا نیست و کلمه تفخیم است و کثرت تعظیم و فراوانی را می‌رساند.

- ب) با پسوند «ا» که نشانگر فراوانی و تفخیم است؛ مثل: دریغا، عجبا و... .
- ج) بوسیله تکرار صوت؛ مثل: آفرین آفرین، به به، بخ بخ و... .
- د) با آوردن صفت بویژه صفت عددی به همراه صوت؛ مانند: هزار آفرین، هزار افسوس و... .
- ه) جمع شدن دو عامل تأکید در یک صوت؛ مانند: ای دریغا و... (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۲۱).

## ۷- تأکید فعل

### ۱-۷ تکرار

- تکرار از روش‌های عامی است که برای مؤکد کردن انواع کلمه از جمله فعل، به کار می‌رود. تکرار فعل ممکن است بدون فاصله باشد؛ مانند:
- «دست‌هایم را در باغچه می‌کارم / سبز خواهم شد، می‌دانم می‌دانم می‌دانم» (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۳۰۴).
- «حذر از عشق ندانم / سفر از پیش تو هرگز نتوانم نتوانم» (مشیری، ۱۳۸۰: ۴۰۳).
- و یا با فاصله باشد و البته بدون حرف ربط؛ مانند:
- «ز حد گذشت جدایی میان ما، ای دوست! بیا بیا که غلام توام، بیا ای دوست!» (سعدی، ۱۳۹۲: ۴۴۹)
- گاهی نیز تکرار فعل همراه با حرف ربط است. این روش در فارسی امروز کاربرد بیشتری یافته است:
- «پسر روشن آب لب پاشویه نشست / و عقاب خورشید آمد او را به هوا برد که برد» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

## ۷-۲ تأکید بوسیله قیدهای تأکیدی

از متداول‌ترین روش‌ها برای تأکید فعل، استفاده از قیدهای تأکید برای مؤکد کردن فعل است. برخی از این قیود عبارتند از: یقیناً، البته، هرگز و... .

«این بنایی است که البته خلل خواهد یافت      خنک آن قوم که در بند سرای دگرند»  
(سعدی، ۱۳۹۲: ۷۹۱)

روش دیگری که در متون گذشته و تحت تأثیر زبان عربی برای مؤکد کردن فعل استفاده می‌شده، تقلید از مفعول مطلق عربی بود:

«بخندید خندیدنی شاهوار      چنان کامد آوازش از چاهسار»  
(فردوسی، ۱۳۹۳: ۴۶۰)

در زبان فارسی معاصر و معیار، این ساختار کاربردی ندارد و بجای آن معمولاً همان قیود تأکید استفاده می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۷).

## ۷-۳ تأکید بوسیله پیشوند «ب»

در گذشته برای مؤکد کردن فعل، پیش از ماضی ساده، پیشوند «ب» می‌آمده است؛ مانند:

«دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد      یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد»  
(حافظ، ۱۳۸۶: غ ۱۳۹)

«البته وقتی می‌گوییم حرف «ب» برای تأکید است، یعنی اینکه به جای آنکه قید تأکید در جمله‌ای بیاوریم، حرف «ب» را در اول فعل آن جمله می‌آوریم. یعنی به جای جمله «او حتماً رفت»، می‌گوییم «او برفت» (برخی محققان این نظر را نپذیرفته‌اند)»  
(شریعت، ۱۳۷۵: ۱۳۳).

همچنین در گذشته برای مؤکد کردن افعال نهی، پیش از حرف نفی پیشوند «ب» می‌آمده است:

«جان عزم رحیل کرد گفتم: بمرو      گفتا: چه کنم خانه فرو می‌آید»  
(خیام، ۱۳۷۸: ۴۴)

«برای تحذیر که در حکم نهی مؤکدی است، یک وجه استعمال دیگر نیز در آثار این دوره وجود دارد و آن مانند صیغه مضارع است، در جمله‌هایی که با یکی از قیده‌های تنبیه مانند: «تا، هان، زنه‌ار، زینه‌ار، هشدار، نگر» آغاز می‌شود و در این حال همیشه با حرف نفی «نَا می‌آید» (خانلری، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۳۷).

#### ۷-۴ تأکید با پسوند «الف»

«پسوند «ا» در قدیم به فعل، صفت، قید، اسم و صوت می‌چسبیده و در هر مورد بر معانی خاصی دلالت می‌کرده و نقش‌های متعددی داشته است. این پسوند با افعال بیشتر برای تأکید به کار می‌رفته است» (فرشیدورد، ۱۳۵۲: ۱۹۴)؛ مانند:

«در این ره گرم‌رو می‌باش لیک از روی دانایی نگر نندیشیا هرگز که این ره را کران بینی» (سنایی، ۱۳۸۵: ۷۰۵)

پسوند «ا» به فعل ماضی افزوده نمی‌شده، مگر در فعل «گفتی» و «گویی»؛ و شاید این افزوده شدن برای تأکید بوده باشد؛ زیرا افعال «گفتی» و «گویی» بدون «ا» هم به همان معنی «گفتیا» و «گویا» آمده‌اند (فرشیدورد، ۱۳۵۲: ۲۰۱). این پسوند همچنین به ندرت به افعال امر و نهی می‌چسبیده و آنها را مؤکد می‌کرده است (همان: ۲۰۰)؛ مانند:

«بیخشا ای پسر بر من بیخشا مکش در عشق خیره چون منی را» (رودکی، ۱۳۴۱: ۴۹۲)

باید افزود که تمام این الف‌ها تا قرن هفتم منسوخ شده‌اند مگر در شعر و امروز از آنها تنها چند کلمه فشرده و باقی‌مانده آثار قدیم برجاست و آنها عبارتند از: «گویا، آیا، گفتا، مبادا، بادا» (فرشیدورد، ۱۳۵۲: ۲۰۲).

#### ۷-۵ تأکید بوسیله شبه جمله‌ها

شبه جمله‌ها و اصوات نیز هرگاه با مقاصد اغراء و تحذیر به فعل افزوده شود، موجب مؤکد شدن فعل می‌شود. مانند:

«تو چون موری و این راه است همچون موی بت‌رویان مرو زنه‌ار بر تقلید و بر تخمین و بر عمیا» (سنایی، ۱۳۸۵: ۵۵)

## ۸- تأکید جمله‌ها

مؤکد کردن جمله شامل روش‌هایی است که مفهوم کلی جمله را مورد تأکید قرار می‌دهد. آنچه که درباره مؤکد کردن فعل گفته شد، در مورد جمله نیز صدق می‌کند. اما روش‌های دیگری برای تأکید جمله هست که اشاره‌ای به آنها می‌شود:

### ۸-۱ استفهام انکاری

این روش در مؤکد کردن جمله‌های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چراکه «استفهام انکاری، از نفی تأکیدش بسیار بیشتر است؛ بنابراین یکی از راه‌های مؤثر تأکید جمله منفی آن است که آن را به صورت استفهام انکاری بیاوریم» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۶۷).

«ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز؟»  
(نظامی، ۱۹۶۵: ۱)

«استفهام انکاری وقتی با قیدهایی «آخر، پُرگست، هیهات و...» بیاید مؤکدتر می‌شود و تأکید کلام به اوج خود می‌رسد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۶۷)؛ مانند: «گفت: پیغام من است و کی تا کی شنیده بودی که بوعبدالله از ما و پدران ما پیغامی گزارد و نه راست باشد؟» (بیهقی، ۱۳۸۷: ۲۰۸).

«گاهی نیز استفهام انکاری معادل نهی است و در این صورت تأکید آن بیشتر است. از این رو با فعل امر یا نهی دیگر همنشین می‌گردد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۶۷)؛ مانند: «کجا می‌روی که آنجا سنگ می‌آید که هر سنگی و مردی» (بیهقی، ۱۳۸۷: ۶۴۵).

### ۸-۲ جابه‌جایی ارکان جمله

جابه‌جایی ارکان جمله از فارسی باستان تا کنون، از کارآمدترین ابزارهای تأکید جمله بوده است. معمولاً در چنین حالتی، فعل جمله پیش از نهاد می‌آید و بدین ترتیب مفهوم جمله مورد تأکید قرار می‌گیرد: «گفت ملاح را که: بگیر این هر دوان را که به هر

یکی پنجاه دینارت دهم» (سعدی، ۱۳۹۲: ۶۶)؛ «مردی بزرگ بود این استاد» (بیهقی، ۱۳۸۷: ۶۹۳).

### ۸-۳ بهره‌گیری از واحدهای زبر زنجیری

روش عام دیگری برای مؤکد کردن عبارت است از نوع ادا کردن کلمه با آهنگ و تکیه خاص، که موجب برجسته شدن آن کلمه در طول جمله می‌شود. از این آهنگ و تکیه به «آواهای زبر زنجیری» تعبیر می‌شود. در واقع، «آواهای زبر زنجیری آواهایی هستند که نشانه نوشتاری و تلفظی ندارند، بلکه کیفیت خاصی است که در گفتار حاصل می‌شود» (مهرآوران، ۱۳۹۶: ۱۸۹). به این ترتیب این آواها در بالای زنجیره سخن و رشته کلام قرار می‌گیرند؛ بنابراین به آنها آواهای زبر زنجیری می‌گوییم؛ مثلاً وقتی می‌گوییم: «با هواپیما به مشهد رفتیم»، نوع خوانش و تکیه‌ای که به هر یک از کلمات این جمله می‌دهیم، در واقع بیان‌کننده تأکیدی است که بر آن کلمه داریم (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴۹۱).

### ۸-۴ طرق دیگر تأکید جمله

الف) استفاده از قید خاص تأکید جمله؛ نظیر: البته، برآستی، گویی، همانا، هرگز، هیچ و... .

ب) تأکید بوسیله صوت‌ها؛ همچنین جملات ندایی نیز که با ادات تنبیه و هشدار و تحذیر همراه است، چنین تأکیدی دارد.

«الایا ایهاالساقی أدر کأساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها» (حافظ، ۱۳۸۶: غ ۱)

ج) استفاده از حروف ربط و گروه‌های ربطی و قیدهای پیوندی؛ مانند: همچنین، نیز، هم...هم، و... در پیوند دادن جمله‌ها و جمله‌واره‌ها؛ مانند:

«نه به دل بودم این سخن، نه به گوش که دل از راه گوش می‌بشود» (خاقانی، ۱۳۹۳: ۱۶۹)

د) استفاده از عنصر اغراق و مبالغه (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۶۸-۵۶۷). «اغراق و مبالغه و غلو خود نوعی تأکید است، بطوری که تشخیص اغراق و تأکید از هم گاهی دشوار می‌شود. بنابراین جمله‌ها و کلماتی که بر این امور دلالت می‌کنند، مؤکد نیز هستند:

بر سر تربت من با می و مطرب بنشین      تا ز بویت به لحد رقص کنان برخیزم  
(حافظ)» (فرشیدورد، ۱۳۵۴ ب: ۴۹۰)

«اغراق گاهی نیز بوسیله تشبیه صورت می‌گیرد و یکی از اهداف تشبیه، تأکید و اغراق است؛ مانند: «سیلِ اشک» و «کوه صبر» و...» (همان).

## نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد در واقع چکیده گونه‌ای بود از مهمترین روش‌هایی که برای مؤکد کردن اقسام کلمه به کار می‌روند. همان‌گونه که ملاحظه شد، تمام اقسام کلمه در زبان فارسی این قابلیت را دارند که با به کارگیری روش‌هایی، مؤکد شوند. تأکید اقسام کلمه به منظورهای خاص دستوری و بلاغی انجام می‌گیرد؛ چنانکه فی‌المثل حالت‌های مختلف جمله مانند: حالات تحذیری، اغرائی و... و نیز شکل‌گیری لحن (آهنگ) جمله در جملات مؤکد، در گرو تأکیدی است که برای هر یک از اقسام کلمه در جمله ایجاد شده است. مؤکد کردن اقسام کلمه و نیز جملات با روش‌های گوناگونی انجام می‌شود که به شماری از آنها در این تحقیق اشاره شد. در بسیاری از مواقع، مؤکد کردن کلمه و کلام در گرو ساختار نحوی جمله و نیز ساخت صرفی کلمه است. گاهی نیز بهره‌گیری از ساخت آوایی جمله، که مبتنی بر واحدهای زبر زنجیری - تکیه و درنگ - است، در جمله ایجاد تأکید می‌کند. شایان ذکر است که برخی از این روش‌ها در گذشته کاربرد بیشتری داشته است و برخی دیگر از این روش‌ها در فارسی امروز بیشتر به کار می‌رود.



## منابع و مأخذ

۱. باباسالار، اصغر. (۱۳۹۲). «کاربردهای خاص «را» در برخی متون فارسی». *نشریه ادب فارسی*. شماره ۱ (پیاپی ۱۱). صص: ۱۹۶-۱۸۱.
۲. بهمنی، محمدعلی. (۱۳۹۰). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.
۳. بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). *تاریخ بیهقی*. به تصحیح علی اکبر فیاض. تهران: هرمس.
۴. حافظ. (۱۳۸۶). *دیوان*. به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی. قم: جمال.
۵. خاقانی. (۱۳۹۳). *دیوان*. به تصحیح ضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.
۶. خیام. (۱۳۷۸). *رباعیات*. تهران: شهرام.
۷. خیام پور، عبدالرسول. (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: آرمان.
۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۸). *چرند و پرند*. تهران: فرهنگ جامع.
۹. رودکی. (۱۳۴۱). *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*. به قلم سعید نفیسی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
۱۰. سپهری، سهراب. (۱۳۸۹). *هشت کتاب*. اصفهان: گفتمان اندیشه معاصر.
۱۱. سعدی. (۱۳۹۲). *کلیات*. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
۱۲. سنایی. (۱۳۸۵). *دیوان*. به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: سنایی.
۱۳. شریعت، محمدجواد. (۱۳۷۵). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
۱۴. طیب، سید محمدتقی. (۱۳۸۳). «بررسی ساختارهای دستوری گونه شعری در زبان فارسی». *نشریه دستور (ویژه نامه فرهنگستان)*. جلد اول. شماره اول. صص ۶۵-۷۷.
۱۵. عطار. (۱۳۶۳). *هیلاج نامه*. به تصحیح احمد خوشنویس. تهران: سنایی.
۱۶. فرخزاد، فروغ. (۱۳۸۲). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.
۱۷. فردوسی. (۱۳۹۳). *شاهنامه*. بر اساس چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
۱۸. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). *دستور مفصل امروز*. تهران: سخن.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۲). «پسونند الف تأکید و ندا و تعجب». *مجله ارمنان*. دوره ۴۲. شماره ۳. صص: ۲۰۲-۱۹۴.

۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴ الف). «تأکید و قصر در زبان فارسی». **مجله گوهر**. شماره ۲۹. صص: ۳۸۵-۳۸۹.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴ ب). «تأکید و قصر در زبان فارسی». **مجله گوهر**. شماره ۳۰. صص: ۴۸۸-۴۹۲.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴ ج). «تأکید و قصر در زبان فارسی». **مجله گوهر**. شماره ۳۱. صص: ۵۷۹-۵۸۴.
۲۳. قلی‌زاده، حیدر. (۱۳۸۰). **مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم**. تبریز: مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.
۲۴. مشیری، فریدون. (۱۳۸۰). **بازتاب نفس صبحدمان**. تهران: چشمه.
۲۵. منزوی، حسین. (۱۳۷۷). **از کهربا و کافور**. چاپ اول. تهران: کتاب زمان.
۲۶. مولانا، جلال‌الدین. (۱۳۸۶). **مثنوی معنوی**. به تصحیح رینولد نیکلسون. تهران: هرمس.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). **غزلیات شمس**. گزینش محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۲۸. مهرآوران، محمود. (۱۳۹۶). **سامان سخن**، مباحثی درباره زبان و دستور زبان فارسی. چاپ سوم. قم: مرکز بین‌المللی جامعه المصطفی‌العالمیه.
۲۹. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۵). **تاریخ زبان فارسی**. جلد ۲ و ۳. تهران: نشر نو.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). **وزن شعر فارسی**. تهران: توس.
۳۱. نجاریان، محمدرضا؛ جوادی‌نیک، آمنه. (۱۳۹۲). «شیوه‌های تأکید در فارسی و عربی». **نشریه ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان**. شماره ۳۴. صص: ۳۵۳-۳۷۶.
۳۲. نجم‌الدین رازی. (۱۳۷۳). **مرصادالعباد**. به تصحیح محمدامین ریاحی. تهران: علمی.
۳۳. نظامی. (۱۹۶۵). **لیلی و مجنون**. آکادمی علوم اتحاد شوروی (سابق). اداره انتشارات دانش.
۳۴. وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۵). «ضمیر مشترک یا ضمیر شخصی و ضمیر تأکیدی». **نامه فرهنگستان**. شماره ۳۰. صص: ۹۵-۱۰۳.